

# راز خورشید

اسطوره‌ی تصاویر - تصاویر اسطوره‌ای

برگردان  
م. ر. شرعی





اهلینگر، دین لی، غلام

LEE, DEAN LEE

راز خورشید: اسطوره‌ی تصاویر - تصاویر اسطوره‌ای [عکس‌ها دین لی اهلینگر]؛ [ویراستار: جان میلر]؛ برگردان سید محمود متشرعی.  
تهران: ویستار، ۱۳۹۲.

۱۳۳۲ ص: مصور (بخشی رنگی): ۲۳×۲۳

۹۹-۵۵۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۳۰۰۰۰۰ ریال

فیبا

عنوان اصلی: DESERT LIGHT: MYTHS AND VISIONS OF THE GREAT SOUTHWEST, ۱۹۹۳.

اسطوره تصاویر - تصاویر اسطوره‌ای.

اساطیر سرخپوستی - جنوب غربی جدید

جنوب غربی جدید - مصور

میلر، جان - م. ویراستار

MILLER, JOHN

متشرعی، سید محمود - مترجم

۱۳۹۲ الف ۹ج/ ۷۸E

۲۹۹/۷۹۷۹

۲۳۹۲۳۸۹

## انتشارات و یستار

تلفن: ۸۸۸۲۱۲۷۶ - ۸۸۳۴۳۸۰۶

Email: [vistar\\_pub@hotmail.com](mailto:vistar_pub@hotmail.com)

راز خورشید (اسطوره‌ای قصه، به تصویر اسطوره‌ای)

## حاجز میلر

اگر دان

سید محمود متشرعی

یہاں اول

4494

حروف نگار صفہ راہی

دفتر نشر و استار

حرفی

فتر نشر و یستار

طریقہ

إيمان مطاوع

جانب

فرہنگ

لیتوگرافی

و این

ناظر فنم جاپ

بہر محمد عباد شتکلی

FVD.

نسخه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مترجم بوده و در اختیار ناشر قرار گرفته است.

استفاده از مطالب آن تنها با اجازه کتبی از مترجم میسر می‌باشد

m.motesharrei@gmail.com

ISBN 978-5507-99-0      شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۰۷-۹۹-۰

VISTAR PUBLISHING, Inc.

# 13, KARIM KHAN ZAND AVE., TEHRAN, IRAN

P.O.BOX 13145 - 749

TEL: +98 (21) 88343806-88821276



۴۰۰۰ سال

## فهرست

|     |                                                   |
|-----|---------------------------------------------------|
| ۱۲  | یادداشت مترجم                                     |
| ۱۶  | پیشگفتار                                          |
| ۱۸  | آفرینش (پیما)                                     |
| ۳۴  | پیدایش کاکتوس ها در شمال وورد (پیما)              |
| ۴۴  | پیدایش راون و ماکائو، های بستان و زمستان (زونی)   |
| ۵۶  | پیدایش خورشید (سیا)                               |
| ۶۸  | هاسجلت و هوستوگان (ناوایو)                        |
| ۸۲  | مردمان ابر (سیا)                                  |
| ۹۴  | آوای باران (سیا)                                  |
| ۹۸  | آوای باران (سیا)                                  |
| ۱۰۲ | آوای باران (سیا)                                  |
| ۱۰۴ | و... کابوت ستارگان را بر آسمان نصب می کند (واسکو) |



## یادداشت مترجم

از سال‌ها پیش که مطالعات خود را در زمینه‌ی علم انسان‌شناسی آغاز کردم، مطالعه و تلاش در پی فهم و شناخت اسطوره‌های اقوام مختلف، تبدیل به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های ذهن و روحم شد. دغدغه‌ای که همچنان زنده است.... شناخت اسطوره‌های هر قوم و سرزمینی، ریشه در باورها و آداب و رسوم آن قوم دارد و نیز مایه‌ی شناخت بهتر تمدن‌های کهن می‌باشد؛ تمدن‌هایی که در طی سالیان متمادی شکل گرفته و پدید آمده‌اند و سنگ بنای تفکر، باورها و اندیشه‌ی انسان امروز را تشکیل می‌دهند.

به راستی، گذشتگان جهان را چگونه می‌دیده‌اند و به چه روشی بین‌المللی آن قائل بودند؟ در راستای مطالعاتم در این زمینه با کتابی مواجه شدم که درباره‌ی اسطوره‌های سرخپوستان این نواحی بود. اولین چیزی که نظرم را به این کتاب جلب کرد، تصاویر بی‌مانندی بود که با نهایت سلاقت گرفته شده بودند. پس از چندین بار تماشای عکس‌ها، به سراغ خواندن مطالب کتاب رفتم.

نویسنده، مطالب کتاب را با نثری ساده، اما بسیار دقیق از متن‌های کهن سرخپوستان استخراج و ویرایش کرده بود. این متن‌ها برای من که آشنایی چندانی با اسطوره‌های سرخپوستان و صحرای غرب نداشتم چنان جذاب و جالب بود که آن را به یکباره مانند داستانی دلپذیر از ابتدا تا انتها خواندم و هر متن را در ذهنم با تصویرش مطابقت دادم.

به راستی دین آهلینگر (عکاس) و جان میلر (ویراستار متون) با چه میزان دقت و وسواسی این تصاویر و متون را انتخاب کرده بودند که هر تصویر، پرتونگاری همان متن بود و هر متن داستان آن تصویر. انگار که هزاران سال پیش سرخپوستان این نواحی نیز با دیدن این تصاویر به اسطوره‌ها و داستان‌های خود رسیده‌اند.

حال این سنوآل مطرح می‌شود که آیا اگر ما نیز در آن زمان و در چنین زیست بومی می‌زیستیم، درکمان همان بود و همان می‌گفتیم یا افسانه‌ای دیگر با اسطوره‌هایی متفاوت می‌آفریدیم؟

پس از چندین بار خواندن این متون، مصمم شدم آن را به زبان فارسی برگردانم تا هم مرجعی شود - هرچند کوچک - برای دوست‌داران این متون و فرهنگ‌های کهن، و نیز شاید بدعتی باشد تا ما نیز با استفاده از منابع و اسطوره‌های فراوان ایران‌زمین و تلفیق آن با تصاویر این کهن دیار، آن را هر چه بهتر به جهانیان بشناسانیم.

در برگردان این اثر، جلد ۱ واژه‌ی DOCTOR OF EARTH واژه‌ی پدر زمین را برگزیده‌ام که منظور از او، دیدگاه نیاکان سرخپوستان به زندگی جهان و در واقع همان صحرای غرب است، و همه آنچه هست از عنکبوت، کایوت و مادر زمین و ... باور این مردمان است از نحوه‌ی پیدایش زیست بوم خود.

لازم به ذکر است، جان میلر طرز این متون را ویرایش و ساده‌نویسی کرده است که معانی هر یک از اسطوره‌ها و نمادها، هر یک در جای خود از متن نه پاره شده. خواننده نیازی به پیش مطالعه یا پیش زمینه‌های ذهنی نداشته باشد. مترجم نیز نهایت سعی خود را کرده است تا ترجمه‌ای - در حد دانش خود - مناسب و رسا از این مهم غافل نمانده باشد. مابقی بر عهده‌ی خوانندگان و معلمان است که تا چه اندازه مترجم را در راه و هدف خود موفق بدانند.

همچنین ذکر این نکته را لازم می‌دانم که با توجه به پی‌رفت ابزار و تکنیک‌های عکاسی در سال‌های اخیر، عکس‌هایی از عکاس با کیفیت و تکنیک بهتر از همان مناظر به دست آمده‌اند. به همین دلیل برخی عکس‌های کتاب برگزیده شد. تمامی عکس‌های کتاب و نیز عکس‌های روی جلد آن، اثر عکاس بنام ویسنته مریکایی، دین لی آهلینگر، و حاصل کشف و شهود او در یافتن و خلق تصاویری اسطوره‌ای از صحرای غرب آمریکا را سه دهه پیش می‌باشد.

محمود مشرعی

پاییز ۱۳۸۹

در طراحی نهایی این مجموعه به منظور انسجام بیشتر متن و تصویر از دو عکس طرح دیگر مرتبط با همان نواحی نیز استفاده شد که به ترتیب عبارتند از: ۱. عکس صفحه‌ی ۵۰

WINSTON ROCKWELL و ۲. عکس صفحه‌ی ۱۱۸ اثر استودیو MJF.

پاییز ۱۳۹۲



## پیشگفتار

داستان آفرینش به زبان هر قبیله‌ای، تفسیری بر آیین و نمادها، پنجره‌ای رو به پنداشت روح از دیدگاه ایشان و به گونه‌ای پرتونگاری از هویت دیرپای آن‌هاست.

کتاب پیش رو گزیده‌ای برگرفته از افسانه‌های اسطوره‌های سرخ‌پوستان سحرانشین صحرای غرب است - که می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای ما - که تا به حال با چنین افسانه‌هایی بیگانه بوده‌ایم - بیچ‌گاه منابع اصلی را نخوانده‌ایم و باورمان تنها بر اساس شنیده‌هایمان بوده است.

شاید این اسطوره‌ها و داستان‌های نمادین، برای ما که در فرهنگی دیگر زندگی می‌کنیم و تا حد زیادی از فرهنگ‌های دیگر، به‌ویژه آداب و رسوم کهن، شنیده‌ایم، بسیار ابتدایی و یا حتی اسباب مزاح و سرگرمی باشد. حال آنکه، گذشتگان این داستان‌های کهن را در مراسم آیینی تحویل فصل‌ها و نوشدن زمین می‌خواندند. آن‌ها را حکایت می‌کردند تا با یاد آوردن قلمروهای ابتدایی‌شان چگونه شکل گرفت. همچنین در مراسم "اهدای کلید" که همان جشن بلوغ کودکان و مراسم پذیرش پذیرش‌شان نسبت به جمع است، و نیز هنگام طالع بینی‌شان بر اساس صور فلکی، بر فرزندان‌شان دعا می‌خواندند تا روح آن‌ها به صورت الگوی نخستین و همانا لوح ابتدایی، بدون تأثیر از گذر زندگی، احضار شود. پس به آن‌ها می‌گفتند که چگونه زندگی و عمل‌شان تأثیر پذیر نیرو و زمان‌های کیهانی است و مجاب‌شان می‌کردند که زندگی‌شان به دنبال و در پی تاریخی مقدس شکل می‌گیرد.

این داستان‌های سریال‌مانند، هنوز هم یادآور کهن‌الگوهای درهم‌تنیده‌ی خانوادگی، حسادت، خشم، مخالفت، خیانت و انتقام بیرحمانه است. این حالت‌ها در ایمازهای نمادین "تخت‌زمین صحرای غرب" و "شهرها"، بارها و بارها تکرار می‌شوند:

"دایه‌ی عنکبوت"، "دوقلوهای مقدس"، "حشرات کهن"، و همچنین "کایوت" مرددِ عصا به دست در سفرش به ابتدای آفرینش، که مانند همیشه از "جهان‌های زیرین" پدیدار می‌شود، از این دسته‌اند.

افسانه‌ی اسطوره‌های صحرا عموماً در گرگ‌ومیش و هوای ابری صبح شروع می‌شوند:

یکی داستان چاله‌ای است که در آن رطوبت و بخار تغییر ماهیت می‌دهند و به اجسامی به رنگ زمرّد تبدیل می‌شوند و دیگری داستان حباب‌ها، صبح آفرینش است که در مسیر تکامل خود، آدمیان و شور زندگی را که از جوهره‌ی آغازین هستی شکل می‌دهند.

به‌راستی داستان زمرّد‌های لم‌یزرع صحرائی غرب که نمایشنامه‌هایی چنین پرماجرا را پیش از پیدایش فلسفه سبب شده‌اند چیست؟ پاسخ این سؤال را باید در زمین‌های محل سکونت سرخ‌پوستان جستجو کرد. سرزمین‌هایی یادآور مردمانی گمنام و از یادرفته که روزگاری نزد کانی‌ها زندگی می‌کردند که نفس می‌کشیدند، می‌خندیدند، فکر می‌کردند، عشق می‌ورزیدند و داستان آفرینش محل زندگی‌شان را برای یکدیگر بازگو می‌کردند.

در این سرزمین‌ها قوم‌های "پیمان سیاه" و "قلمرو" به شادی می‌زیستند و کمتر به تلخی‌ها و سختی‌ها و بقای زندگی‌شان می‌اندیشیدند.

سازگاری آن‌ها در طی چندین هزاره با زیست‌بوم و شرایط خاص زندگی‌شان، موجب پیدایش داستان‌های جالب ادواری سالانه‌ی شکار، چرا، ساخت فلز، درو باشد و نیز زحمتی برای کاشی هنری، سفر، نقل داستان‌ها و خرافات، و ارتباط با ارواح میان ایشان گردیده است. از این‌رو طیف و عمق این داستان‌ها با شیوه‌ی زندگی این مردمان در تطابق کامل است.

به‌راستی چه‌کسی می‌داند این نوشته‌ها حاوی چه رمزهایی از دانش کهن می‌باشند؟

برای مثال در داستان پیدایش به نقل از نوشته‌های پیمایان، سخن از "ساخت روزگار" "به میان می‌آید. حال آن‌که در تحقیقات اخیر، مبنی بر شمارش تعداد حلقه‌های تنه‌ی این گیاه، منشاء آنها به برسیک‌های "پنج هزار سال پیش برمی‌گردد که منشأ تمامی گیاهانی به شمار می‌آیند که عمرشان براساس شمارش تعداد حلقه‌های تنه‌شان محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است که پیمایان دانشی در خصوص این حلقه‌ها نداشته‌اند و داستان ایشان تنها به پنداشتی کیهانی و شاید معنوی بوده است.

در هیچ‌یک از این داستان‌ها از ساعت و گاه‌شمار روز و ماه خبری نیست؛ همه آنچه هست، نشان از زمین از پس هر بهار و جاری بودن زندگی در زمان حال است.

پیتر ناباکوف<sup>۳</sup>